

جنگ صدا

www.jonge-seda.com

تفسیر خبری هفته

سه شنبه ۲۳ مهر ۱۳۸۱

– منصور امان

پس از ارائه دولایحه اصلاح قانون مطبوعات و افزایش اختیارات ریاست جمهوری به مجلس توسط خاتمی، جدالهای درونی حکومت جهت و چشم اندازهای متفاوتی به خود گرفته است. این امر مسلماً به دلیل تغییرات چشمگیری که لوایح مزبور در صورت به اجرا آمدن، در توازن نیروی دو جناح پدید خواهد آورد نیست. کم تر از آن، اراده سیاسی و ظرفیت عملی آقای خاتمی و پیرامونیان وی برای بهره جویی از نتایج چنین حالتی است که آغاز یک سرفصل جدید از نبردها را با کیفیتی دیگرگونه بشارت می دهد. هرگاه انتخابات آتی مجلس و دوران روبه پایان ریاست جمهوری آقای خاتمی به مثابه دو فاکتور تعیین کننده در ترکیب قدرت پس از این، در نظر گرفته شود، آنگاه به خوبی می توان دریافت که زمزمه های خروج از حاکمیت توسط «دوم خرداد» و برخورد محتاطانه باند ولایت به آن به چه میزان اندکی از لوایح پیشنهادی خاتمی تأثیر می پذیرد. واقعیت این است که ناتوانی «دوم خرداد» از عملی ساختن حتی یکی از شعارها و وعده های از پیش اعلام شده اش، و بدتر از آن، کرنش و عقب نشینیهای پی در پی در برابر باند رقیب و در اصلی ترین پهنه های متمایز کننده آن از این جناح، دایره عمل سیاسی آن را به حداقل رسانده است. این امر برای جریانی که مایل است نقش اپوزوسیون اصلاح طلب را در عین در اختیار داشتن امکانات اجرایی ایفا نماید، برآستی نتایج مهلکی در بر دارد. چه، هنگامی که مهمترین مولفه های آرمانی و سیاسی یک اپوزوسیون بی یال و دم و اشکم - از جنس «دوم خرداد» - نه تنها مجالی برای پدیدار گشتن نمی یابد بلکه تمام کوشش آن به جستجوی پناهگاهی برای گریز از بختک سنگین آنها منحصر می شود، آنگاه می توان به یقین از به انتها رسیدن رسالت و از کف رفتن فلسفه وجودی آن سخن گفت. خاتمی و «دوم خرداد» با طرح تهدید خروج از حاکمیت در صورت رد شدن خواسته های دوگانه شان، خروج از بحرانی که خود در آن گرفتار آمده اند را هدف گرفته اند. پرتاب یکباره خویش به چپ ترین نقطه از باند ولایت، مکانی ست که «اصلاح طلبان» جمهوری اسلامی، رسیدن معجزه آسا بدان را عزم کرده اند.

قابل تصور است که جناح رقیب، هر آنچه در چننه دارد را برای جلوگیری از بهره جویی شریک پیشین از کیسه مشترک، بیرون خواهد آورد. کسب اعتبار و مخالف نمایی به حساب آنها، آخرین فرجه ای ست که باند ولایت به خیمه نشینان زیر عمود نظام خواهد داد.

رویاریویی پاتک و ضد پاتک دو جناح، اکنون آرایش صحنه سیاسی در بالاترین گستره های آن را تعیین می کند. آنچه که درونمایه این صف بندی را از انواع پیشین خود متمایز می کند، بن بست است که «دوم خرداد» با شتاب فراوان در حال حرکت به سوی آن است. مشروط نمودن همدستی با جناح قدرتمند حکومت و به بیان دیگر باقی ماندن در دولت و مجلس به تصویب دولایحه مورد اشاره، با خط مشی تزلزل آمیز و آشتی جویانه چیره بر «دوم خرداد» سازگاری ندارد.

تجربه گذشته نشان داده که جریان مزبور همواره نشستن بین دوصندلی را به گزینش این یا آن ترجیح داده است. و این شاید برای تشکیل دهندگان رنگارنگ «جبهه دوم خرداد»، یک نقطه اتکاء به حساب می آمده است که از امتیاز خودی بودن تا لقمه آخر و صرف نظر از اینکه توسط کدام آشپز سرو شده، لذت ببرند. به همین دلیل نیز اکنون هضم تک پایه ای شدن سیاست برای بسیاری از مروجان فشار از پایین و چانه زنی در بالا کار ساده ای نمی تواند باشد و قابل تصور است که چالش نخست «دوم خرداد» نه حل و فصل مسائل کنونی با جناح ولایت، که چیرگی بر مسائل درونی و علائقی که آشکارا از یکدیگر فاصله می گیرند، باشد. انتهای فرآیندی که با دو تدوین دو لایحه مزبور به گردش افتاده است، جز به تقسیم همیشگی و استراتژیک « پروژه دوم خرداد» راه نمی برد.

«مجمع روحانیون مبارز» با عدم شرکت در «کنگره دوم خرداد»، پروژه آینده را از هم اکنون در دستور کار گذاشته است.